

یادداشت

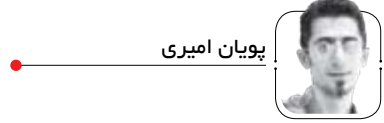
خادم جرات به خرج داد

منصور بزرگر

■ به نظر من تیم کشتی آزاد ایران خوب در المپیک ظاهر شد. اگر آن حادثه برای بزدانی پیش نمی آمد این همه حرف و حدیث به وجود نمی آمد، ما مدال طلا می گرفتیم و همه بحث‌ها تمام می شد. ما در وزن‌هایی که انتظارش را نداشتیم یعنی ۸۴ و ۱۲۰ کیلوگرم به مدال‌های ارزشمندی دست یافتیم. در مجموع فکر می کنم تیم کشتی آزاد ایران در المپیک بد کار نکرد که بخوایم به دنبال مقصر بگردیم. ما همیشه در ۶۶ کیلوگرم به گویا می‌باختیم و چه بسا حتی اگر در این دوره حریف گویایی را شکست می‌دادیم در مقابل کشتی گیر ژاپنی باز هم شانس مدالی نداشتیم. نباید تنها نقاط ضعف را دید. همه شاهد بودیم که رضا بزدانی مقابل حریف روسی خود که پیش از این در ایران باخته بود در المپیک پیروز شد و اگر این حادثه پیش نمی آمد حالا مدال طلا بر گردن داشت. لشکری نیز بسیار خوب و مقدرانه کشتی گرفت. او می‌توانست در ۸۴ کیلوگرم حتی قهرمان المپیک شود اما با زرننگی کشتی گیر آذربایجان در نایبه‌های آخر نتیجه را واگذار کرد. شاید اگر در دو رقابت تدار کاتی بیشتر شرکت داشت حالا طلا می‌گرفت. من معتقدم همه ملی‌پوشان ایران شایستگی بیشتری دارند و اگر خوب حمایت نشوند سال آینده شاهد قهرمانی تیم ایران خواهیم بود. ما روی ورزش کشتی و وزنه‌برداری مثل پولی که در جیب داریم حساب می‌کنیم و هیچ‌گاه برای آن برنامه‌ریزی نداریم و فکر می‌کنیم همیشه این رشته‌ها برای ما مدال می‌گیرند. کشتی و وزنه‌برداری در مجموع ۱۲ مدال برای ایران به ارمغان آوردند که از این تعداد شش مدال ویژه کشتی بود. واقعا باید دید از چنین فدراسیونی که شش مدال المپیک برای ایران می‌گیرد چقدر حمایت می‌شود. فدراسیون کشتی در اصل دو فدراسیون است که ورزشکاران رشته‌های فرنگی و آزاد را پوشش می‌دهد. من یک حساب دو دوتا چهار تا برای شما می‌کنم تا ببینیم حمایت‌های مالی انجام‌شده از کشتی کفایت می‌کند یا نه؟ سال گذشته اگر بر فرض مثال بودجه کل فدراسیون کشتی چهارمیلیارد تومان بوده است اسمال بااین وضعیت دلار باید بودجه کشتی هشت‌میلیارد تومان می‌شد. اما آیا این اتفاق افتاد؟ باید کارشناسان بررسی کنند که چرا کشتی کیم را صاف گوهرزی در آستانه جواهری و در لوج آمدآمی می‌گوید که می‌خواهد از کشتی ملی خداحافظی کند تا به زندگی مای خود برسد. خادم آبروی خود را در دست گرفت و در آستانه المپیک هدایت تیمی‌ را پذیرفت. من او را در ک می‌کنم زیرا بیش از اینکه خودم در المپیک‌ها هدایت تیم کشتی را برعهده می‌گرفتم چهارستون بدنم از کولیار مسوولیتی که بر عهده داشتم می‌ارزید. به نظر من خادم خوب کار کرد و فقط حادثه موجب شد تا تیم آزاد ایران به مدال طلا نرسد.

پاسخی به اعتراض رشته‌های مدال‌آور ایراد از ساختار ورزش است نه فوتبال مهدی زعیمر اده

■ موفقیت قابل توجه کاروان ورزش ایران در المپیک ۲۰۱۲ یک پیامد عجیب داشت؛ حمله به فوتبال و فوتبالیست‌ها در روزهای گذشته مطالب زیادی در رسانه‌های مختلف منتشر شد که همه آنها روی یک نکته تاکید می‌کردند؛ چرا باید اینقدر برای فوتبال هزینه بشود؟« حقوق فوتبالیست‌ها با قهرمانان رشته‌های دیگر مقایسه شد و نتیجه‌ای که به دست آمد این بود که نباید به این میزان برای رشته «موفقیت» مثل فوتبال خرج و به آن توجه کرد.توصیه شد دولت از بودجه فوتبال کم کند و به سایر رشته‌ها وبویژه رشته‌های مسال اور المپیککی بپردازد. این انتقادها از میزان دستمزد فوتبالیست‌ها انقدر زیاده بود که صدای اعتراض برخی چهره‌های مطرح فوتبال ایران را بلند کرد. خداداد عزیزی، امیر قلعه‌نویی و مهدی مهدوی کیاا از جمله معترضان به حمله‌کنندگان به فوتبال هستند. در این میان نشان به صحبت‌های هر دو گروه نشان می‌دهد که هر دو گروه تا حدودی اشتباه نمی‌گویند. این در واقع ساختار نادرست ورزش ایران است که باعث می‌شود چنین مباحثی به وجود بیاید و فوتبال و رشته‌های المپیکیی برابر هم قرار بگیرند. در اسپانیا هرگز گفته نمی‌شود چرا بارسلونا و رئال مادرید میلیون ی خرج می‌کنند ولی برای توسعه تکلانودی اسپانیا کاری انجام نمی‌شود؟ یا در انگلیس دستمزد وین رونی با قایقران مدال آور بریتانیا مقایسه نخواهد شد. در کشورهای مدرن ورزش حرفه‌ای از ورزش قهرمانی و همگنی کلاما جدا شده است و منطقی است که چنین کشمکش‌هایی به وجود نمی‌آید. هرگز دولت و نهادهای دولتی در ورزش‌های حرفه‌ای مثل فوتبال، تنیس و اتومبیلرانی هزینه نمی‌کنند که متولیان ورزش قهرمانی و همگانی به این موضوع اعتراض کنند. دستمزد یک فوتبالیست گران‌قیمت از منابع دولتی پرداخت نمی‌شود که یک قهرمان دوومدانی مورد ظلم قرار بگیرد. ساختار دولتی ورزش ایران این مشکلات را ایجاد می‌کند. بودجه باشگاه‌های فوتبال و طبیعتا دستمزد ستارهای میلیاردری را دولت و نهادهای دولتی پرداخت می‌کنند و از طرفی متولسی ورزش قهرمانی و همگانی هم دولت است. در این شرایط طبیعی است که سایر رشته‌ها با مقایسه دستمزدهایشان تصور کنند که منصفانه با آنها برخورد نمی‌شود. در این میان این نکته را هم نباید فراموش کرد اگر در سال‌های اخیر برای خصوصی شدن باشگاه‌ها اقدامات موثری انجام می‌شد و فوتبال دیگر به جیب دولت وابسته نبود این مسایل پیش نمی‌آمد. هنگامی که در ایران تلویزیون خصوصی وجود ندارد و باشگاه‌ها برای رسیدن به حق پخش مسابقات‌شان دست‌شان کوتاه است راهی به غیر از دولتی ماندن فوتبال باقی نمی‌ماند. اگر در ایران هم تلویزیون خصوصی وجود داشت و تلویزیون حق پخش بازی‌ها را به طور واقعی به باشگاه‌ها پرداخت می‌کرد دیگر نیازی نبود که باشگاه‌ها دست به دامن منابع دولتی شوند و دولت پولی که باید به ورزش قهرمانی و همگانی اختصاص دهد در چاه فوتبال بریزد.



پویان امیری

«سجاد انوشیروانی» یک‌بار دیگر مدال نقره خود را در مسابقات جهانی در مسابقات با اهمیت‌تری مانند المپیک تکرار کرد. او حتی تلاش کرد که رقابت نزدیکی با بهداد سلیمی داشته باشد، اما سعی او بی ثمر بود و به همان مدال نقره بسنده کرد. سجاد با ۲۷ سال به بالارزش ترین مدال خود رسید و موفق شد ایران را در وزن ۱۰۵ کیلوگرم صاحب دو مدال کند. بعد از آمدن بسه ایران اولین کاری که انجام داد، به طبایخی رفت تا بسه خاطر علاقه زیاده به کله‌پاچه و به قول خودش گشنشگی کشیدن در لندن را جبران کند. برای خیلی‌ها دیدن او در طبایخی غیرقابل‌باور بود. با او در مورد مسایل مختلف از جمله مدال با ارزشش صحبت کردیم.

■ ■ ■

■ **آقای انوشیروانی بالاخره مدال نقره المپیک را کسب کردی، انتظارت برآورده شد؟**
برای گرفتن این مدال خیلی تلاش کردم و تا آخر عمر خدا را شکر می‌کنم که موفق شدم آن را کسب کنم. این مدال را مدیون لطف خدا، دعای مردم و زحمت مربیان و خودم هستم.

■ **بقیه ملی‌پوشان به شهرشان رقتند، اما شما دیرتر از سایرین به اردبیل رفتید، علت خاصی داشت؟**
پدر و مادرم با همسررم و خانواده‌اش برای استقبال به تهران آمده بودند. آنها رفتند که کارها را انجام بدهند. قرار است من هم روز شنبه بروم. خودم دوست داشتم زودتر بروم. همان لحظه حرکت کنم تا همشهری‌های خودم را منتظر نگذارم، اما به هر حال تدارکی دیده بودند که لازم بود من در تهران بمانم.

■ **اولین جایی که رفتی، بعد از فرودگاه کجا بود؟**
رفتیم طبایخی که دلی از عزا دربیابورم. در این مدت گرسنه مانده بودیم. نه در هواپیما نه آنجا که بودیم، درست غذا نخوردیم. فقط همین جوری یک چیزی می‌خوردیم که سیر بشویم. من خودم حساسم و مزه غذا برایم خیلی مهم است. غذای آنها خیلی به مذاق من سازگار نیست. آش دوغ اردبیل و کوفته تبریزی دست‌پخت مادر من کجا و استیک گوستی آنجا کجا. زمین تا آسمان فرقتش است. هفت، هشت، روز انرژی‌مان خالی شد، گفتیم برویم از کله‌پاچه انرژی بگیریم.

■ **می‌گویند با توقفتان همین کله‌پاچه فروشی است؟**
تهران که هستم با دوستان هفته‌ای یکی دو بار می‌روم. البته ما موقعی که تمرین داریم، کله‌پاچه می‌خوریم. چون زیادی خوردن این غذا واقعا خطرناک است.

■ **اینکه سجاد انوشیروانی را همه می‌شناسند و همیشه تو چشم هستی،د، خوب است یا بد؟ آذیت نمی‌شود؟**
وقتی پیش مردم هستم اصلا آذیت نمی‌شوم. من عاشق مردمم و این کاری هم که در المپیک کرده به خاطر آنها بود. وقتی ما را می‌بینند خوشحال می‌شوند. این خوب است، اما وقتی پای خوردن وسط هست فرق می‌کند. دیروز خیلی خجالت کشیدم. نتوانستم درست و حسابی بخورم. همه نگاهت می‌کنند. می‌آیند امضا می‌گیرند ازت. معذب می‌شوی و لقمه از گلویت پایین نمی‌روی.

■ **از وزنه زدن من سخت‌تر است؟**
واقعا سخت‌تر است. همبطن‌رور عرق از پیشانی‌ام می‌ریخت. دوستم می‌گفت چرا اینقدر خجالت می‌کشی. گفتیم بابا این همه چشمم دارند من را نگاه می‌کنند. وقتی باغتم باهاشون به این‌ها نگاه می‌کنم.

■ ■ ■

■ **وزنه‌برداری را از چه زمانی شروع کردی؟**
من سال ۸۴ بود که پدرم بپا اصرار من را به سالن نوجوانان دعوت کردم. بعد برای مسابقات ۲۰۰۷ قهرمانی آسیا به تیم جوانان پیوستم و مدال برنز جهانی را کسب کردم. مربی آن زمان تیم‌میلی جوانان حسین توکلی بود که واقعا برای تیم زحمت کشید. آقای توکلی یکی از بهترین مربیان است که تاکنون دیده‌ام. سال ۲۰۰۹ هم برای اولین بار به اردوی تیم‌میلی بزرگسالان پیوستم و مدال نقره قهرمانی آسیا را به‌دست آوردم.

■ **مدتی از تیم‌میلی دور بودی؟**

بله، مشکلات شخصی باعث شد تا مدتی از تیم‌میلی

خوردن باشد، خجالت می‌کشم. کسی که وزنه‌بردار است خوددش با بقیه فرق دارد.

■ **قبل از رفتن گفته بودید که المپیک مثل همه مسابقه‌هاست، واقعا همینطور بود که فکر می‌کردی؟**
المپیک میدان بزرگی است اما قرار نیست به خاطر یک استرس بیازم. من قبل از مسابقه با کنیاوش می‌گفتم و می‌خندیدیم. آقای باقری می‌گفت از وزنه زدن مطمئنم اما یک کم حواس‌ت را به مسابقه جمع کن. حرفیان استرس داشتند. با این کارها می‌خواستم بگویم خیلی آماده‌ام (با خنده). به آقای باقری می‌گفتم ذوق گرفتن مدال دارم. واقعا شما احساس کردید وزنه زدن من با گذشته فرق کرده بود. من به هیچ عنوان استرس نداشتم و فقط می‌خواستم مدالم را زودتر بگیرم. میدان المپیک بسیار بزرگ است، همه قهرمان هستند، اما واقعا اگر خوب تمرین کرده باشی و استرس زیاد نداشته باشی مدال را حتماً می‌گیری.

■ **واکنش رقبایت به این کارهای تو چی بود؟**
همه نگاه می‌کردند. اشاره می‌کردند و می‌گفتند خیلی Ok هستی. من قبل رفتن، حرفیان را بالا پایین کرده بودم. نه اینکه استرس داشته باشم. می‌دانستم مثلا آلیگف در دو ضرب ضعیف است یا اشتاینر در یکضرب تا ۲۰۰ نمی‌آید. در شرایطی بودم که خودم را در حد رقابت با بهداد هم گذاشته بودم. حتی به این فکر می‌کردم که حرفانم وقتی حرکت اول و دوم را زدن با بهداد رقابت کنم. واقعا فکرم را گذاشته بودم، روی ۲۵۱ کیلوگرم.

■ **سر حرکت آخر به نظر می‌رسید می‌توانستی ۲۵۱کیلوگرم را مهار کنی، اما انگار زیاد حرکت آخر را جدی‌نگرفتی؟**
وقتی پشت صحنه بودم و آلیگف وزنه زد و نقره من قطعی شد، خوشحالی کردم اما همه چیز برای من تمام نشده بود. آقای باقری فکر می‌کرد من نمی‌خواهم وزنه بزنم. وزنه را گرفته بودند. حواسمان نبود. به من گفت می‌خواهی وزنه بزنی. گفتم آره. گفت فقط ۳۵ نایبه وقت داری. تا زانوئود و کمربندم را ببندم و بیایم روی تخته، هفت ثانیه

گفت‌وگو با سجاد انوشیروانی نایب‌قهرمان المپیک

بعد از فرودگاه، رفتم طبایخی



سجاد انوشیروانی

گذشت. اگر دقت کرده باشید در همه حرکت‌ها وقتی من دستم روی میله بود تاایم را داشتم. ما سر این حرکت وقت کم آوردم. هماهنگی بدنی نداشتیم و نتوانستم هماهنگی عصبی – عضلانی را درست به وجود بیاورم. سنگین بلند شدمم وگرته می‌توانستم وزنه ۲۵۱ کیلوگرم را بلند کنم و توانایی‌اش را داشتم.

■ **آن وقت شرایط مسابقه هم عوض می‌شد. شاید هم تومی‌توانستی طلا‌بگیری؟**

اگر آن وزنه را می‌زد، مساوی می‌کردیم. آن وقت بهداد باید با وزنه بالای ۲۵۲، ۲۵۴ من را می‌گرفت.

■ **در یکضرب حق تو بیشتر از ۲۰۲ بود؟**

توانایی من در یکضرب زیر ۲۱۰ نبود اما در حرکت دوم که ضربه زدم، دستم باز شد و وزنه کج آمد، وگرته می‌توانستم حرفیان را بگیرم.

■ **بهداد بعد از مسابقه گفته بود که تو با وزنه‌زدن هایت کم‌کمش کرده‌ای؟**

هدف من و بهداد این است که بـه هم کمک کنیم. یک‌جوری وزنه بزنیم که حرفیان را ببینازیم به جان هم و گولشان بزنیم. همه جا هم گفته‌ام که به همان اندازه که از مدال نقره خودم خوشحال شدم، برای مدال طلای بهداد هم خوشحالی کردم. برای همه آنهاهی که زحمت می‌کشند و ثمره‌اش را می‌گیرند هم در بقیه رشته‌ها خوشحالم و تبریک می‌گویم. در بعضی رشته‌ها هم که حرفیان یک سر و گردن از ما بالاتر هستند، علت هم دارد. اینکه مدیریت و مربیگری ما در آن رشته ضعیف است. ما همچنان آماتور هستیم، عدم موفقیت ما برمی‌گردد به اینکه فکر می‌کنیم هر طور شده حتی اگر بدترین مدیریت‌ها و مربیان را هم داشته باشیم بازهم می‌توانیم، قهرمان شویم. ورزش ما واقعا باید کارهای پایایی انجام دهد. ما در کشور کمبود علم داریم.

■ **درباره عملکرد بقیه بچه‌ها نظرت چیست. مثلا همین کنیاوش که سر مسابقات پشت صحنه بود و سعید محمدپور که همشهری شماست و رقابت سختی با حرفیانش داشت.**

کنیاوش که طلا نگرفت کلاه رفت سرش. او صددرصد

یک سر و گردن بالاتر از حرفیانش بود اما جو مسابقه کنیاوش را ترساند. اگر او ۲۰ درصد جدید تمریناتش را سر وزنه ۲۱۴ کیلوگرم داشت، مطمئنا طلا می‌گرفت. حریف لهستانی حشش طلا نبود اما قسمت او بود. درباره سعید هم باید بگویم که از بدشانسی سعید دو سه حریفش فوق آماده بودند. وزنه‌هایی که زدند، غیرقابل تصور بود. سعید با سن و تجربه کمش مطمئن و جدی وزنه زد. واقعا در یک‌ضرب کار بزرگی کرد. سعید وزنه‌ای را که در تمرین زده بود، به راحتی در المپیک زد. من می‌گویم سعید بدشانس ترین نفر کاروان ورزشی ایران بود.

■ **بقیه کاروان ایران چطور بودند؟**

این دوره کاروان ایران کولاک کرد، در بعضی از رشته‌ها با نادآوری و در بعضی رشته‌های دیگر بدشانس بودیم. متأسفانه در روز آخر مصدومیت رضا یزدانی ایران را از کسب یک مدال طلای مسلم محروم کرد.

■ **شما در حال حاضر معلم هستید؟**

بله، من از سال ۸۹ معلم هستم و به نونهالان و نوجوانان آموزش می‌دهم، البته به عنوان استعدادیاب هم فعالیت می‌کنم. در زمانی که ما وزنه‌برداری را آغاز کردیم، در شهر اردبیل با توجه به اینکه حسینی رضازاده به تازگی قهرمان المپیک شده بود، در سالن‌های وزنه‌برداری ۵۰ تا ۶۰ نفر حضور داشتند، اما الان متأسفانه ۱۰ نفر حضور پیدا می‌کنند. امیدوارم مدال من باعث شود نوجوانان اردبیلی دوباره به سمت این ورزش بیایند.

■ **برنامه بعدی شما چیست؟**

بعد از دو هفته استراحت، پنج ماه استراحت فعال داریم و بعد از آن برای مسابقات جهانی همراه سال آینده در شهر ورشو لهستان آماده خواهیم شد.

■ **در لیگ شرکت می‌کنید؟**

بله، من عضو تیم‌میلی حفاری هستم که واقعا از ورزش وزنه‌برداری حمایت می‌کند. اما به نظرم مسوولان می‌توانند خیلی بیشتر به ورزش کمک کنند. ما در وزنه‌برداری فوق‌العاده استعداد داریم که اگر روی آن سرمایه‌گذاری کنیم، می‌توانیم نتایج درخشانی کسب کنیم.

تا استترسام را کنترلر و در ادامه مسابقات حضور پیدا کنم.

■ **در حرکات دوفضرب هم در حرکت آخر احساس می‌شد، می‌توانی وزنه را بالای سر ببری، اما انداختی؟**

وقتی مدال نقره من قطعی شد، از خودم راضی بودم. البته اگر برای من نمی‌گرفت‌م از خودم راضی بودم، چون تمام تلاشم را کرده بودم. وقتی برای حرکت سوم روی تخته رفتم، میلی برای زدن وزنه نداشتیم. اگر این حس در من وجود داشت قطعا این وزنه را می‌زد، چون بارها در تمرینات این وزنه‌ها را زده بودم. به هر حال سهم ما مدال نقره المپیک لندن بود.

■ **در حال حاضر ۲۰ سال سن داری، چه برنامه‌ای برای آینده داری؟**

من هنوز موفق نشدم، به شهرم مسجدسلیمان و اهواز بروم و همچنان در تهران هستم. کادر فنی یک استراحت ۲۰ روزه به ما داده است و می‌خواهم در این مدت به کارهای عقب‌افتاده خودم برسم. من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که در المپیک بعدی حضور دارم یا خیر، اما تمام تلاشم را می‌کنم که یک المپیک دیگر را هم تجربه و مدال دیگر به مردم کشورم تقدیم کنم.

■ **در لیگ حضور خواهی داشت؟**

خوشبختانه لیگی وجود دارد که ما در آمد ناچیزی از آن داشته باشیم، در هیچ‌جای دنیا قرارداد یک قهرمان المپیک و جهان ۳۰ میلیون تومان نیست. به همین دلیل درآمد کم هم شده، باید در لیگ حضور داشته باشم. امیدوارم مسوولان فکر اساسی برای رشته‌های غیرفوتبالیی بکنند. چون من کاری به غیر از وزنه زدن بلدنیستم.

■ **حرف آخر؟**

من این مدال را به پدرم که فوت کرده تقدیم و از همه ایرانیان ساکن لندن تشکر می‌کنم.

یادداشت

برای یوسف کرمی‌ها، افتخارهای ورزش ایران اگر این موفقیت در برزیل ۲۰۱۶ تکرار نشود...امیر صدری*



قرار است عملکرد ورزش ایران در المپیک ۲۰۱۲ را در یک یادداشت

به طور کلی مورد بررسی قرار دهم اما نمی‌توانم از یک جزء شروع نکنم، از جزیی که شاید حتی مهم‌تر از کل باشد. واکنش‌ها به شکست «یوسف کرمی» در سطح جامعه و در فضای مجازی شوکه‌ام کرد. این حجم از انتقادات و توهین‌ها به یک قهرمان ملی، به جوانی محبوب و محبوب، چپرا؟ مردی که این چنین خطاب می‌شد مردی بود که یک دهه است برای ایران افتخار آفرینی کرده است، با یک دهم، یا شاید یک صدم درآمد بازیکنان درجه دو و سه فوتبال و با یک هزارم محبوبیت و شهرت آنها. تمام کسانی که یوسف کرمی را مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دادند از یاد برده بودند که این مرد جوان نه چهار سال که بیشتر از ۱۰ سال است زندگی‌اش را بر سر ورزش‌اش و افتخار آفرینی گذاشته است. همان‌هایی که اگر در خیابان از کنار یوسف کرمی رد شوند او را نمی‌شناسند، از او مدال طلا بلب داشتند و چرا؟ کدام این طلبکارن فقط یک بار به تماشای مبارزات و تمرین‌های یوسف رفته بود؟ کدام آنها برای یوسف کف زده بود و کدام آنها فهمیده بود روزی ۱۰ تا ۱۲ساعت تمرین کردن یعنی چه؟

برخورد ما با ورزشکاران‌مان، مثل بسیاری از برخوردهای دیگران، افراط و تفریط شده است، حالا از محمد بنپنا قهرمانی مساحت‌هایم که انگار توانایی‌های فرانسائی دارد و از یوسف کرمی چهره یک روشکسته به تقصیر، و چرا؟ این حق نیست ای کاش فقط کمی احساس‌مان را می‌گذاشتیم کنار و از تماشای دو هفته مسابقات المپیک (و قبل از آن سه هفته یورو ۲۰۱۲) یاد می‌گرفتیم که هر ورزشکاری که در المپیک به میدان می‌رود شایسته تقدیر است و باید برایش دست زد و به احترامش از جا بلند شد. همین و بس.

و اما بعد:

به عنوان کسی که از دور، در شش ماه آخر مانده به مسابقات المپیک، تمرینات و روند آماده‌سازی تیم‌های مختلف اعزامی به مسابقات المپیک را دنبال می‌کرد، می‌دیدم که روند کلی کارها به سمت حرفه‌ای‌تر شدن پیش می‌رود، اگرچه هنوز کاستی‌ها فراوان بود اما در کل می‌توان گفت که مجموع عملکردهای مدیران رده‌های بالا و میانی، حرفه‌ای‌تر، دقیق‌تر و بپا برنامه‌تر بود و جذب اسپانسرری برای حمایت مالی، تکنیک برنامه‌های آماده‌سازی به صورت تیم به تیم و حتی ورزشکار به ورزشکار و تلاش برای استفاده از بهترین‌های مربیگری، اتفاقات مثبتی بود که نتایج مثبتی رقم زد؛ اتفاقاتی که در ثبت بهترین نتیجه تاریخ ورزش ایران سهمیه بودند.

بی‌گمان کشتی فرنگی ایران و محمد بنا، برنده‌های اصلی ایرانی مسابقات المپیک لندن بودند و مردان کشتی آزاد، در قد و قامت یازنده و البته یازنده‌های پرتاش که نمی‌توان آنها را ناکام نامید، چراکه نتایج آنها در هر دورهای دیگر موفقیت ارزیابی می‌شد اما در کنار درخشش شاید مافوق تصور مردان کشتی فرنگی، اتفاق مهم مدال نقره احسان حدادی در رشته‌ای بود که خواب مدال‌آوری در آن را همین چند سال پیش هم نمی‌دیدیم و البته درخشش نوشاد عالمیان و الهه احمدی در رشته‌هایی غریب برای ما هم به همان اندازه خوشحال‌مان کرد. در نهایت در رتبه‌ای غرورآورین ایستادیم و جهان ورزش را تحت تاثیر قرار دادیم و این اتفاق کمی نیست، اما.. اما نباید اسیر توهم بشویم که واقعا رتبه هفدهم ورزش جهان در اختیار ایران است، آيا اسپانیا، برزیل و کانادا از لحاظ ورزش، ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور، زیرساخت‌های ورزشی و برنامه‌ریزی در ورزش از ایران عقب هستند؟

شاید راحت‌ترین کار ایسن باشد که بر صندلی‌های خود تکیه بزنیم، سینه‌هایمان را جلو بدهیم و پیام‌های تبریک را مرور و به استراحت فکر کردی، اما واقعیت این است که کار مدیران کلان ورزش ما، تازه از همین امروز شروع شده است. چهار سال بعد در چنین روزهایی، تکت‌ک مردم ما انتظار دارند که ایران در کشتی فرنگی همچنان قدرت اول باشد، در کشتی آزاد هم به جایگاه ساقیش برگردد و در وزنه‌برداری، دوومدانی و تکواندو هم مدال، آن هم از نوع خوش‌رنگ‌ترین، کسب کند و در ورزش‌های تیمی هم حاضر باشد، فکر می‌کنید رسیدن به چنین سطحی کار ساده‌ای است؟

هر چهار مدال آور طلای ایران در مسابقات دوره بعد هم می‌توانند حاضر باشند (سن‌ترین آنها حمید سوریانی است که آن زمان ۳۱ ساله خواهد بود). جدا از حفظ آنها، ورزش ایران باید برای ارتقای احسان حدادی، نوشاد عالمیان، الهه احمدی و دوما امید دیگر و ورزش ایران، از همین امروز برنامه‌ریزی کند و اگر این اتفاق نیفتد، تاریخ ورزش ایران، موفقیت‌های کاروان ۲۰۱۲ را «تصادفی» بپا «شکنی به فرد و رشته‌ای خاص» ارزیابی خواهد کرد.

● **روزنامه‌نگار**